

## بررسی تربیت ولایی در سوره مبارکه انفال

پروین حسینی اصل \*

دانشجوی دکتری تعلیم و تربیت، واحد اراک، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

### چکیده

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

ولایت خدا برای انسان‌ها از سویی هم ولایت تدبیری است و آن‌ها را دوست دارد و از سوی دیگر هم خداوند یاور آن‌هاست و مؤمنان نیز خدا را دوست دارند. الگوی تربیت ولایی تأکید بر خداپاوری و خدامحوری در تمام مراحل تربیت است. مسئله ولایتمداری جزء مهم‌ترین ابعاد تربیتی است که لازم است طبق موازین دینی مورد استفاده قرار گیرد. ولایت اهل‌بیت در دین اسلام برای این است که ما راه را گم نکنیم و بتوانیم با چراغ هدایت ایشان، از نصرت و یاری خداوند در زندگی استفاده کنیم.

این پژوهش با روش اکتشافی و توصیفی-تحلیلی در سوره مبارکه انفال انجام شده است؛ چراکه این سوره شامل آیات پربرکتی در بعد تربیتی از جمله تربیت ولایی است و به موضوعاتی چون؛ اصول و مبانی روش‌های تربیت ولایی شامل روش انگیزشی و الزامی، اهداف تربیت ولایی و همچنین موانع تربیت ولایی مانند ارتکاب گناه و گرایش به دنیا در آیات سوره انفال پرداخته است.

واژگان کلیدی: خدامحوری، قرآن کریم، سوره انفال، تربیت ولایی

---

\* نویسنده مسئول : [parvin.mahvin@gmail.com](mailto:parvin.mahvin@gmail.com) « روش ارجاع به این مقاله: حسینی اصل، پروین

(۱۴۰۲)؛ بررسی تربیت ولایی در سوره مبارکه انفال، دو فصلنامه علمی تفسیر متون وحیانی، ۴ (۶)، ۱۰۹-۸۳»

## ۱- مقدمه

در جوامع انسانی تربیت بستر خوش‌بختی و بدبختی است. (داوودی، ۱۳۸۷: ۸۷) مهم‌ترین مسئله، امر ولایت است. حقیقت و اساس دین و طریق جریان آن ولایت است، اما هنوز این مسئله به منزله اصلی‌ترین مبنا در دین در میان نخبگان علمی و تربیتی ظهور نیافته است؛ بنابراین پرداختن به هر گونه تربیت دینی و الهی جز با شناخت حقیقت ولایت امکان‌پذیر نیست. ولایت، حقیقت و باطن دین است. اگر اراده انسان، تسلیم خواست خدای متعال شود، طوری که اراده انسان در مجرای مشیت الهی قرار گیرد و به مقام رضا رسد، نیل به مقام توحید محقق شده‌است. انسان موحد و مخلص کسی است که اراده او در اختیار حضرت حق است؛ پس انسان وقتی تسلیم حضرت حق شد، فعل او مشیت الهی است؛ زیرا او ولایت الهی را می‌پذیرد. ولایت خدا برای انسان‌ها هم ولایت تدبیری است و هم آن‌ها را دوست دارد، هم ناصر آن‌هاست و مؤمنان هم دوستدار خدا هستند و ناصر خدا (دین خدا) و محبوب کمالات خدا هستند؛ ولایت نتیجه تقرب به خدا برای انسان است؛ پس آغازگر ولایت باید انسان باشد «وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ» (میرزا محمدی، رسولی/۱۳۹۸ص ۱۶)

الگوی تربیت ولایی، الگویی نظام‌مند و بر اساس ارزش‌های معنوی اسلامی با تأکید بر خدا باوری و خدا محوری در تمام مراحل تربیتی است و حرکت در جهت کسب مقام خلیفه الهی را هدف خود قرار می‌دهد. در چنین الگویی سالک در مقابل بسیاری از ناملاایمات و آسیب‌ها در دژی امن قرار دارد؛ چرا که خدای متعال وعده داده است کسی که مرا یاری کند او را یاری می‌کنم و کسی که تحت سرپرستی و ولایت خدا باشد، یعنی دین او را یاری کند، شامل هدایت و حمایت او واقع می‌شود. (فرهادی/۱۴۰۰ص ۷)

سوالات مطرح شده در این پژوهش عبارتند از:

۱- ولایت‌پذیری یعنی چه و چه اثراتی در انسان دارد؟

۲- راه‌های ایجاد تربیت ولایی براساس سوره انفال چیست؟

۳- موانع تربیت ولایی چیست؟

تربیت ولایی مجموعه‌ای از مبانی، اصول و روش‌هایی است که با توجه به منابع اصیل دینی و با تأکید بر ولایت مطلقه الهی و ولایت ائمه اطهار، علیهم‌السلام؛ به طور هماهنگ و منسجم برای نیل به سعادت دنیوی و اخروی گردآوری شده است. (فرهادی/۱۴۰۰ص ۱۸)

۲- روش پژوهش

روش این پژوهش، کاوش توصیفی-تحلیلی در سوره مبارکه انفال است؛ به این صورت که ابتدا اصول و مبانی تربیت ولایی و راه‌های رسیدن به این تربیت و موانع آن از دیدگاه آیات و روایات مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و تعیین شد؛ سپس در آیات سوره انفال موارد پرداخته شده کشف و منطبق گردید.

۳- مفهوم شناسی

معنای اصطلاحی تربیت از نظر شهید مطهری: تربیت عبارت است از پرورش دادن یعنی استعداد‌های درونی را که بالقوه در یک شی موجود است، به فعلیت درآوردن و پروردن؛ (مطهری/۱۳۸۳ص ۵۵۱) تربیت مجموعه اعمالی که یک فرد به عمد به منظور اثرگذاری بر شناخت‌ها و اعتقادات احساسات عواطف و رفتارهای انسان یا انسان‌های دیگر بر اساس برنامه‌سنجیده انجام می‌دهد. (مصطفوی/۱۳۶۸، ۷۶) مقام معظم رهبری نیز در تبیین چنین فرمودند که تربیت به معنای رشد و نمو و حرکت هر شیء به سمت هدف و غایتی است که آن شیء کمال خود را بازیابد. (بانکی پور فرد/۱۳۸۰ص ۵۲)

معنای لغوی ولایت: ولایت از ریشه «ولی» به معنای قرب و نزدیکی است. (مصطفوی/۱۳۶۸) ولایت در اصطلاح فقه و حقوق: اولویت تصرف در اموال و امور و نیز

اولویت در تدبیر و رسیدگی به یک شی یا یک شخص است. (گروه نویسندگان/۱۳۸۴ص ۴۵۹)

ولایت در اصطلاح کلام شیعه یعنی ولایت مطلقه خدا زیرا ممکن الوجود در هستی خویش نیازمند واجب الوجود است این نیازمندی مطلق، با خود حاکمیت و محکومیت مطلق می‌آورد. از این رو ولایت تنها از آن واجب الوجود است که خدای متعال است: «فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي الْمَوْتَى» (سوره شوری آیه ۹) ولایت حق خداست؛ بنابراین جعل حکومت به نصب و تعیین خداوند است. (خمینی/۱۳۸۷ص ۳۴)

#### ۴- مبانی و اصول تربیت ولایی

مبانی تربیت ولایی عبارتند از: معرفت‌شناسی (خدامحوری و ولایت‌مداری)، انسان‌شناسی (فطرت‌گرایی و کمال‌گرایی) و هستی‌شناسی (سنت‌گرایی، قضا باوری، معاد باوری). (فرهادی/۱۴۰۰ص ۱۹) که در این نوشته به بعضی از مبانی اصلی پرداخته‌ایم؛

#### ۴-۱- خدامحوری

منظور از خدامحوری، جهان‌بینی الهی داشتن است؛ چنان که فرد خدای متعال را وجود محض و علت‌العلل همه پدیده‌ها بداند و علاوه بر خالقیت، ربوبیت وی را نیز باور داشته باشد: «قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه/۵۰) همچنین او را ناظر بر تمام اعمال و اوقات خود بداند «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى (علق/ ۱۴) و به استمداد طلبیدن از او «وَلْيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حج/۴۰) باور داشته باشد و بداند حکمت خداوند بر سنت آزمون است «أَحْسِبَ النَّاسَ أَن يَتْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (عنکبوت/۲) (فرهادی/۱۴۰۰ص ۲۱)

همچنین به سمت هدف غایی خلقت یعنی عبادت حرکت کند و خود را مملوک و مرئوس نسبت به رب قرار دهد چرا که امام صادق (ع) فرمودند: «الْعُبُودِيَّةُ جَوْهَرَةٌ كُنْهَهَا الرَّبُوبِيَّةُ» (مطهری/۱۳۹۴ص ۴۴ تخلص)؛ بنابراین خدا محوری شامل مؤلفه‌های جهان‌بینی الهی

داشتن، ناظر دانستن خدا، استمداد از خدا در هر کار، آزمون‌باوری و عبودیت است. (فرهادی/۱۴۰۰ص ۲۱)

#### ۴-۲ ولایتمداری

خدای متعال ذاتاً ولایت مطلق تکوینی و تشریحی بر انسان را داشته و پس از او پیامبر(ص) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به اذن الهی بر شئون مختلف انسان ولایت دارند. ولایت‌مداری حقیقی را با توجه به منابع دینی می‌توان با ۴ شاخص معرفی کرد:

شاخص اول ولایت‌مداری، شاخص دوم معیت، شاخص سوم همراهی کامل بدون گزینش بر اساس منافع و موقعیت شخصی، شاخص چهارم پرهیز از توجیه‌گری و قرائت جداگانه و تحریف‌آمیز در برابر آنها (فرهادی/ ۱۴۰۰/ص ۲۲). در آیه ۳ سوره انفال، پس از ذکر سه صفت از صفات پنج‌گانه روحانی و نفسانی مؤمنان راستین، می‌فرماید: آن‌ها در پرتو احساس مسئولیت و درک عظمت پروردگار و نیز ایمان فزاینده و بلند‌نگری توکل، از نظر عمل دارای دو بعد محکم‌اند: یکی پیوند و رابطه نیرومند با خدا و دیگری پیوند و رابطه نیرومند با بندگان خدا؛ به این ترتیب که «آن‌ها نماز را برپا می‌دارند و از آن‌چه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند» «يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ» (به پا داشتن یا اقامه نماز) به جای خواندن نماز، اشاره به این است که نه تنها خودشان نماز می‌خوانند بلکه کاری می‌کنند تا این رابطه محکم با پروردگار، همیشه و در همه موارد پابرجا باشد. جمله «رَزَقْنَاهُمْ يَنْفِقُونَ» (از آن‌چه به آن‌ها روزی داده‌ایم) معنای وسیعی دارد که تمام سرمایه‌های مادی و معنوی را دربرمی‌گیرد. آن‌ها نه تنها از انفاق اموالشان بلکه از انفاق علم و فکرشان، موقعیت و نفوذشان و تمام مواهبی که در اختیار دارند، در راه بندگان خدا مضایقه نمی‌کنند، تمام سرمایه‌های مادی و معنوی را در بر می‌گیرد، (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷/ج ۲ص ۱۲۷)

محبت، واسطه‌ای است میان معرفت و اطاعت، محبت از سویی معلول معرفت و از طرفی علت طاعت است؛ زیرا محبت بی‌معرفت به دست نمی‌آید؛ چنان‌که اطاعت بدون محبت.

بر همین اساس محبت محور تعلیم قرار گرفته و وجود مبارک رسول خدا (ص) که حبیب خداست، معلم و راهنمای مردم شده و اجر رسالت خویش را به دستور خداوند مودت به عترت طاهرین دانسته است: «قُلْ لَّا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ» (شوری/۲۳)، محبت به اهل بیت نیز از سویی معرفت به آنها است.

پیروی کامل، تبعیت همراه با محبت است که ظهور آن در اطاعت محض است؛ بنابراین لازمه محبت اطاعت یعنی تبعیت همراه با طوع و رغبت از خدا و رسول اوست و ارزش این اطاعت به حرمت و مطاع بودن خدا و رسول است. اعراض‌کنندگان از حکم و دستور خداوند کافرند و مغبوض محض‌اند (جوادی آملی/۱۳۹۱ ج ۱۴ ص ۸۲).

فَاتَّقُوا اللَّهَ... وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴿۱﴾ و " يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ... ﴿۲۰﴾ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ... إِنْ اللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ ﴿۴۶﴾ (سوره انفال) اطیعوا از «طوع» به معنای عمل کردن مطابق فرمان و دستور همراه با رغبت و خضوع است. در تبلیغ دین اطاعت از رسول درحقیقت پذیرش اوامر آسمانی خداوند است و در جنبه ولایتی و اجرایی پذیرفتن رهنمودهای ایشان در امور کشورداری است. اگر کسی خدا را اطاعت کند ولی از رهنمودهای اجرایی و ولایی رسول خدا (ص) پیروی نکند، درحقیقت دستور خدا را رد کرده‌است؛ زیرا اطاعت از خدا و رسول را با فرمان آورده است (جوادی آملی/۱۳۹۱ ج ۱۴ ص ۸۵).

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَمَا تَبَيَّنَ... (انفال / ۶) بعضی یاران پیامبر، صلی الله علیه و آله، مطیع امر آن حضرت نبودند. افراد تن‌پرور و ترسو، برای گریز از فرمان حق و جهاد، همیشه دست به جدال و توجیه زده و بهانه جویی می‌کنند: «يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ». اگر روحیه‌ها و انگیزه‌ها سالم نباشد، دانستن حق به تنهایی کارساز نیست. «بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ» گاهی انسان چنان سقوط می‌کند که با شناخت حق، باز مخالفت می‌کند: «يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ» (قرآنی، ۱۳۷۴، ص ۷۸)

یکی از اصول مهم که انسان خدامحور باید در زندگی با اتکا به آن حرکت کند، اصل توکل است. انسان باید در مقابله با سختی‌ها و پیکار با دشمنان بر خدا توکل کند و بداند که طبق فرموده مولا علی علیه‌السلام، توکل بر خداوند مایه نجات از هر بدی و محفوظ بودن از هر دشمنی است و همچنین هرکس به خدا توکل کند، دشواری‌ها برای او آسان می‌شود و اسباب برایش فراهم می‌گردد (فرهادی/۱۴۰۰ ص ۲۶).

«إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ... وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (انفال/۲). کسی که تنها خداوند را ربِّ خود می‌داند، به او توکل می‌کند: «عَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ» (قرائتی/۱۳۷۴، ۹۷) «... وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (انفال/ ۴۹) توکل بر خدا، از حساب غرور، جداست: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ... باید بر کسی توکل و اعتماد کرد که شکست‌ناپذیر و تمام کارهایش حکیمانه است: «عَزِيزٌ حَكِيمٌ» (قدرت خداوند، همراه با عزت و حکمت است) (قرائتی/۱۳۷۴، همان)

اگر اسباب در خدمت روح متکی به خدا و متوکل به قدرت بی‌زوال الهی قرار گیرد، بیشترین توانمندی را پیدا می‌کند و از عنایت خاص خداوندی برخوردار می‌شود؛ چون متوکل، محبوب پروردگار خواهد شد و محبوب الهی از فیض ویژه بهره‌مند می‌گردد. در سوره آل عمران می‌فرماید: «تَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (۱۵۹) توکل به خدا همانند دعا با توسل به اسباب، منافاتی ندارد؛ زیرا توکل به خدا سبب غیرعادی است در محدوده علل؛ توکل به خدا در همه شرایط ضروری است، دعا، توکل و توسل در کارها مانند گلاب است که همیشه همراه گل است و هرگز این دو کار انجام نمی‌شود که یکی تهیه اسباب و دیگری توکل باشد از در تهیه اسباب نیز باید از توکل بهره‌گرفت (جوادی آملی/۱۳۹۱ ج ۱۶ ص ۱۴۶-۱۴۷).

مؤمنین به سبب این که ایمان به خدا دارند و ایمان دارند به اینکه ناصر و معینی جز او نیست باید فقط بر او توکل کنند (طباطبایی/۱۳۹۰ ج ۴ ص ۸۷). نصرت تنها از ناحیه

خدای سبحان است؛ بنابراین فقط باید بر او توکل کرد، چنانکه از تقدم کلمه الله در جمله وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ (آل عمران / ۱۶۰) برداشت می‌شود، آن هم در همه شئون و حتی در امور به ظاهر برخورداری از امکانات و توانمندی. (جوادی آملی/۱۳۹۱ ج ۱۶ ص ۱۷۵-۱۷۶)

## ۵- روش‌های تربیت ولایی

### ۱-۵ روش انگیزشی

انگیزه نیروی درونی است که فرد را وادار به انجام عمل می‌کند سبب و علت انجام هر کاری است و به عبارتی دیگر نیروی محرکه انسان است (مرتضوی زاده/۱۳۸۷ ص ۲۰۰) یکی از روش‌های انگیزشی موعظه و نصیحت است موعظه در معنای لغوی خود دو ویژگی را در بر دارد: جنبه بازدارندگی و بیم دادن؛ یعنی علاوه بر بازدارندگی، امر به نیکی‌ها را نیز در بر می‌گیرد. (فرهادی/۱۴۰۰ ص ۵۰) نصیحت در اصطلاح به معنای خیرخواهی و فراخوانی به صلاح و خیر است و موعظه نیز همین کار را دارد؛ بنابراین این دو واژه همراه و هم‌معنی محسوب می‌شوند. (قائمی مقدم/۱۳۹۱ ج ۱ ص ۷۴)

موعظه به عنوان یک روش تربیتی در آیات قرآن گفته شده است (نساء / ۵۸) همچنین از خود قرآن به موعظه تعبیر شده است (سوره آل عمران آیه ۱۳۸) در آیاتی نیز به ناصح بودن پیامبران اشاره شده است. (اعراف / ۶۱ و ۶۲ و ۶۷ و ۶۸ و یونس / ۵۷) در اسلام، ایمان و عقیده، بدون تلاش و مجاهدت کافی نیست. مسلمانان صدر اسلام، یا مهاجر بودند یا پناه دهنده مهاجران، یا جهادگر و یا حامی مجاهدان. *إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ... وَ الَّذِينَ آوَأُوا وَ نَصَرُوا* (شرایط متفاوت برای هرکس تکلیف خاصی می‌آورد، برای یکی هجرت و برای دیگری پناه دادن به مهاجران) (انفال / ۷۲) خداوند میان مهاجران و انصار حق ولایت مقرر کرده است. *«وَ الَّذِينَ آوَأُوا وَ نَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ»* زیرا هجرت به سوی جامعه‌ی اسلامی، شرط ولایت است و کسی



که هجرت نکنند، ولایت ندارد: لَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِنْ وَلَايَتِهِمْ... (قرائتی، ۱۳۷۴، ۵۶) این آیه ولایت را در میان مؤمنان مهاجرین و انصار و میان مؤمنانی که مهاجرت نکرده‌اند نفی می‌کند، و می‌فرماید: میان دسته اول و دسته دوم هیچ قسم ولایتی نیست، جز ولایت نصرت. اگر دسته دوم از شما یاری طلبیدند، یاریشان کنید؛ ولی به شرطی که با قومی سر جنگ داشته باشند که بین شما و آن قوم عهد و پیمانی نباشد. یعنی کفار ولایتشان در میان خودشان است و به اهل ایمان تجاوز نمی‌کند؛ پس مؤمنین نمی‌توانند آن‌ها را دوست بدارند و این معنا از این جا استفاده می‌شود: «وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» (طباطبایی/۱۳۹۰ ج ۹ ص ۱۸۹)

ایمان، بر عمل مقدم است. «آمَنُوا وَ هَاجَرُوا» ارزش کارها، آنگاه است که آنها رنگ خدایی و انگیزه الهی داشته باشد: «فِي سَبِيلِ اللَّهِ» ایمان واقعی، در هجرت، جهاد، پناه دادن و یاری رساندن مسلمانان مجاهد، بروز می‌کند. «وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا» هجرت و جهاد، عامل بخشایش و نزول رزق ویژه الهی است. آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا... لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَ رِزْقٌ كَانَسَانٍ همیشه مسئول است؛ گاهی به صورت جهاد، گاهی هجرت، گاهی پناه دادن به مهاجران و گاهی پشتیبانی از رزمندگان (قرائتی، ۱۳۷۴، ۳۵) شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ؛ وَ مَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۱۳﴾ ذَلِكَ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ ﴿۱۴﴾ (انفال)

این عذاب را خداوند به این خاطر بر سر مشرکین آورد که خدا و رسول را مخالفت می‌کردند و بر مخالفتشان اصرار می‌ورزیدند و کسی که با خدا و رسول مخالفت کند، خداوند شدیدالعقاب است. (طباطبایی/۱۳۹۰ ج ۹ ص ۲۵)

معانی الزام و اکراه در لغت و اصطلاح در بیشتر موارد ناظر به وادار کردن طرف مقابل است و امری است که حداقل وجود دو طرف در آن لازم است. (امیری پیدنی، حسین‌خانی /۱۳۹۴/ص ۹۶) و شامل موارد زیر است:

### ۵-۲-۱ روش تذکر و یادآوری

تذکر از ماده ذکر به معنای طلب کردن چیزی که از دست رفته است. پس از بررسی مجموعه آیات قرآن چنین برمی‌آید که معنای اصلی و عام ذکر در قرآن یادآوری در نفس ذاکر در مقابل فراموشی است، اما معنای خاص آن در قرآن همان به خود آمدن و متنبه شدن است؛ گفتار یا رفتاری که از مربی سر می‌زنند تا مرتب‌تری را نسبت به آنچه از یاد برده و یا از آن غفلت کرده و یا از آن بی‌خبر است و اطلاع از آن برای او لازم می‌باشد آغاز سازد و احساسات او را در قبال آنها برانگیزد. (قائمی مقدم/۱۳۹۱، ۸۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلا تَوَلَّوْا عَنَّهُ وَاتَّبِعُوا مَن لَّوَّا بِهَا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٢١﴾ (سوره انفال) مؤمنان، در معرض تخلف از دستورات خدا و رسول هستند و به هشدار نیاز دارند: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا... نافرمانی پیامبر، نافرمانی خداست: «وَ لا تَوَلَّوْا عَنَّهُ» و نفرمود: «عَنَّهُمَا». (آری، فرمان خدا و رسول دارای هویتی واحد و اطاعت از خداوند در گرو اطاعت از رسولش است) یعنی در اطاعت از رهبری، صداقت داشته و به تعهدات خود پایبند باشیم و بدون عمل ادعای ایمان نکنیم. «وَ لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ» (قرائتی/۱۳۷۴، همان) خطاب آیه متوجه مؤمنین شده و ایشان را امر به اطاعت از خدا و رسولش می‌فرماید و زنهار میدهد که شبیه مشرکین نباشید (طباطبایی/۱۳۹۰ ج ۹ ص ۵۱) قانون و رهبر الهی، محور وحدت و اتحاد است: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ» («أَطِيعُوا» به قوانین الهی و «رَسُولَهُ» به رهبر آسمانی اشاره دارد. (قرائتی/۱۳۷۴، ۶۹)

جهاد، باید با فرماندهی رهبر مسلمانان و به فرمان خدا و رسول (و جانشینان بر حق) او باشد: إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا... وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ (انفال/۴۵). یکی از مهمترین برنامه های مبارزه، توجه به مسئله رهبری و اطاعت از دستور رهبر است. (مکارم/۱۳۸۷ ج ۲ ص ۱۵۴)

آیه شریفه «أَوَلَا يَرَوْنَ أَنَّهُمْ يُفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَكَّرُونَ» (توبه/۱۲۶) می فرماید: آیا آنها نمی بینند که در هر سال یک یا دو بار آزمایش می شوند؟! باز توبه نمی کنند و متذکر هم نمی گردند! امتحان، استعدادهای انسان را شکوفا و کمال های او را از قوه به فعلیت می رساند. آزمون ها به لحاظ گونه گونی استعدادها و کمال ها متفاوت است در ابتلای به سختی ها و کمبودها که مورد آیه است صابران و در آزمون به رفاه و آسایش شاکران شناخته می شوند. آیه شریفه ۱۵۵ بقره ناظر است بر

این که ما حتماً شما را می آزمایشیم یعنی هیچ کس را گریزی از امتحان الهی نیست وَ مَرَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى وَ لِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا ﴿۱۷﴾ (انفال) انسان در افعال خود، نه مستقل از اراده خداوند است و نه مجبور. کارها، از آن جهت که با اختیار از انسان سر می زند، به او نسبت داده می شود، ولی چون نیرو و تأثیر از خداست، به خدا نسبت داده می شود: ما رَمَيْتَ... وَ لَكِنَّ اللَّهَ رَمَى؛ جنگ و جهاد، از وسایل آزمایش الهی است تا مؤمنان واقعی از افراد سست ایمان و یا بی ایمان شناخته شوند: «بَلَاءٌ حَسَنًا» (قرآنی/۱۳۷۴، همان)

وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَ أَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ. ﴿۲۸﴾ (انفال) علاقه افراطی به مال و فرزند، انسان را به خیانت می کشد: لَا تَخُونُوا... وَ اعْلَمُوا... وَ حَتَّىٰ گاهی موجب دست برداشتن از اصول انسانی و دینی (امانت و ادای امانت) می شود. مال و فرزند می توانند دو دام فریبنده باشند. «أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» توجه به پاداش بزرگ الهی، از اسباب دل کندن از دنیا و ترک خیانت است: «أَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» مال و فرزند با

تمام جاذبه‌هایی که دارند، در مقایسه با الطاف و پاداش‌های الهی ناچیز هستند. (در برابر «أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ»، عبارت «أَجْرٌ عَظِيمٌ» آمده است). (قرائتی، ۱۳۷۴، ۶۷)

#### ۵-۲-۲ روش اعمال عبادی

تأکید بر انجام اعمال عبادی با توجه به شرایط و آداب یکی دیگر از روش‌هایی است که در سیره معصومین منجر به اصلاح و تربیت افراد شده و آنان را از رذایل اخلاقی اعتقادی اجتماعی دور کرده است. (فرهادی/۱۴۰۰/ص ۵۷) الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ. ﴿۳﴾ (انفال) رفتار هرکس، برخاسته از انگیزه‌ها، دیدگاه‌ها و اعتقادات اوست. اسلام، انفاق بخشی از مال و دارایی را لازم دانسته است، نه تمام آن را: «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (یکی از معانی «مِنْ»، تبعیض است یعنی بعضی مال) نماز و انفاق شخص مؤمن مقطعی نیست؛ بلکه مستمر و دائمی است: إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ... يُقِيمُونَ... يُنْفِقُونَ.

انفاق، باید از مال حلال و روزی الهی باشد: «مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ» (چون رزق را به خدا نسبت داده است و خداوند رزق حرام نمی‌دهد) مؤمن، دارایی خود را بخشش الهی می‌داند، نه محصول دست‌رنج خویش و این عقیده، گذشت و انفاق را بر او آسان می‌کند:

«مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ». (قرائتی/۱۳۷۴، ۸۶)

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ... كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ... ﴿۴۱﴾ (انفال) این آیه می‌فرماید: اگر غنیمتی به دست آوردید خمس آن را بپردازید، اگر ایمان آورده‌اید باید به این دستور عمل کنید؛ منظور از سهم خدا که به عنوان «لله» آمده، به خاطر اهمیت بیشتر مسئله خمس و تأکید بر آن و تثبیت ولایت و حاکمیت پیامبر و رهبر حکومت اسلامی است؛ یعنی همان‌گونه که خداوند سهمی برای خویش قرار داده و خود را سزاوارتر به تصرف در آن دانسته، پیامبر و امام را نیز به همان ترتیب حق ولایت و سرپرستی و تصرف داده است و گرنه همه در اختیار پیامبر قرار خواهد داشت و در مصارفی که پیامبر و امام صلاح می‌داند صرف می‌شود. (مکارم/۱۳۸۷/ص ۱۵۱)

پرداخت خمس واجب است، گرچه درآمد و غنائم کم باشد: «غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ» ایمان، عامل عمل به وظیفه و ایثار است: «لِلَّهِ خُمُسُهُ... إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ» دل کندن از مال، آن قدر دشوار است که گاهی رزمندگان هم در آن میمانند: «غَنِمْتُمْ... إِنْ كُنْتُمْ...» نشانه ایمان کامل، خمس دادن است. بعد از بیان ایمان، عبادت، هجرت و جهاد میفرماید: «لِلَّهِ خُمُسُهُ... إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ...»؛ بنابراین خمس، واجب دائمی و مستمر است، نه موسمی و موقت، چون شرط ایمان است. (قرائتی/۱۳۷۴، همان)

### ۵-۲-۳ روش انذار و تبشیر

انذار به معنای هشدار دادن و تبشیر به معنای مزده دادن است و روش امر، همان دستور و فرمان است که در مقابل نهی؛ نهی به معنای منع کردن و بازداشتن از چیزی است. (رافب اصفهانی/۱۴۱۲ق)

در هنگام نبرد، فرار از جنگ جایز نیست. فرار از جبهه، گناه کبیره است و خداوند بر آن وعده قهر و عذاب داده است: «إِذَا لَقِيتُمْ... فَلَا تُؤَلُّوهُمْ» (۱۵). «وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ... فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ» (۱۶) (انفال) همان گونه که رفتن به جبهه مهم است، فرار نکردن هم مهم است، گاهی کسانی به جبهه میروند، ولی با فرار، جهنمی می شوند: «وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ... مَا وَاهُ جَهَنَّمَ» فرار از جنگ، هم ذلت دنیوی دارد، «بَاءَ بِغَضَبٍ» هم عذاب اخروی، «مَا وَاهُ جَهَنَّمَ» و فراریان عاقبتی بد در پیش دارند: «بئسَ المصيرُ».

شرط ایمان واقعی، اجابت کردن دعوت خدا و رسول است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ». (۲۴) (قرائتی/۱۳۷۴، ۴۶) «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ؛ إِنْ تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ» (۷۳) (انفال) سه احتمال برای «إِنْ تَفْعَلُوهُ» بیان شده است: اگر میان شما مسلمانان، پیوند محکم ولایت نباشد، کفار متحد شده شما را نابود می کنند: «إِنْ تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ». اگر طبق دستور خداوند مبنی بر رابطه ولایت میان مؤمنان عمل نکنید و با کفار پیوند داشته باشید، فساد بزرگی خواهد بود، چون آنان

متّحدند و شما متفرّق. اگر نسبت به مسلمانان در شرایط فشار بی اعتنایی کنید، ممکن است آنان قتل عام شده، یا از اسلام برگردند. اگر قراردادهای بین‌المللی با کفّار را رعایت نکنید و از تعدادی مسلمان حمایت کنید، همه کفّار علیه شما بسیج خواهند شد و فساد بزرگ پیش خواهد آمد. وقتی کفّار یار یکدیگرند، «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ» اگر مسلمانان همیاری نداشته باشند، گرفتار فتنه و فساد خواهند شد. پذیرفتن ولایت و سلطه کافران، فساد و فتنه‌ای بزرگ در زمین است: «إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ».

منظور از «فتنه» اختلاف و پراکندگی و تزلزل مبانی عقیدتی مسلمانان بر اثر وسوسه‌های دشمنان است و منظور از «فساد» نابسامانی و خرابی نظام‌های مختلف اجتماعی است به خصوص ریخته شدن خون بی‌گناهان و ناامنی و مانند آنها. (مکارم ۱۳۸۷/ص ۱۶۹) وَ اتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (انفال) (۲۵)

معنای آیه تحذیر به تمامی مسلمانان از سهل‌انگاری در امر اختلافات داخلی خواهد بود؛ چون اینگونه اختلافات آنان را به تفرقه و اختلاف کلمه تهدید نموده و باعث میشود که وحدت مسلمین به تسلط و چنددستگی مبدل شود و معلوم است که در این صورت هر دسته که غالب شود زمام را به دست می‌گیرد و نیز معلوم است که این غلبه فساد است نه غلبه کلمه حق و دین حنیف که خداوند تمام مسلمانان را در آن شریک کرده. (طباطبایی/ ۱۳۹۰ ج ۹ ص ۶۴)

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ... (انفال) (۳۸) روش قرآن این است که بشارت و انداز را با هم همراه می‌سازد یعنی همان‌گونه که دشمنان حق را به مجازات‌های سخت و دردناک تهدید می‌کند، راه بازگشت را نیز به روی آنها باز می‌گذارد این آیه همین روش را پی می‌گیرد و به پیامبر این دستور را می‌دهد. (مکارم/ ۱۳۸۷ ص ۱۴۹) در اسلام، همواره راه توبه و اصلاح به روی افراد باز است و بن‌بست وجود ندارد: «إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ» تشویق، در کنار تهدید قرار دارد: «إِنْ يَنْتَهُوا... إِنْ يَعُودُوا» (قرآنی/ ۱۳۷۴، همان)

### ۶- اهداف تربیت ولایی

تربیت ولایی شامل هدف‌های کوتاه مدت و بلند مدتی به این شرح است؛ حیات طیبه، یقین یا نفس مطمئنه و قرب و رضوان؛ حیات طیبه به خاطر اینکه انسان از جنبه انسانی دارای روح ملکوتی است. آزاد و مختار آفریده شده و مسئولیت‌هایی بر عهده دارد. فطرت خداجویی و خداپرست دارد؛ بنابراین نفس انسان باید به حیاتی خاص درآید تا با علم و ایمان و عمل صالح و اخلاق نیک و برای تقرب به خدا صلاحیت پیدا کند. (امینی، ۱۳۸۷ ص ۴۱)

حیات انسان، در ایمان و عمل صالح است و خداوند و انبیا هم مردم را به همان دعوت کرده‌اند: «دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (انفال/ ۲۴) اطاعت از فرامین آنان رمز رسیدن به زندگی پاک و طیب است، چنانکه در جای دیگر می‌خوانیم: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً». (نحل / ۹۷) و طبق روایات شیعه و سنی، یکی از مصادیق حیات طیبه، پذیرش ندای پیامبر اسلام، صلی الله علیه و آله، در مسأله ولایت علی بن ابی طالب، علیهما السلام و اهل بیت اوست. (قرائتی/ ۱۳۷۴، همان)

خداوند می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً» (نحل / ۹۷)، معیار، تنها ایمان است و اعمال صالح و هیچ قید و شرط دیگری نظیر سن و جنس و نژاد در کار نیست. نتیجه عمل صالح در این جهان حیات طیبه است. (مکارم/ ۱۳۸۷ ج ۲ ص ۵۸۴) یعنی حیاتی حقیقی و واقعی و خداوند به کسانی که سزاوار آن‌اند، عنایت می‌کند. هدف از تربیت ولایی دستیابی به حیات طیبه با دو شرط ایمان و عمل صالح: (فرهادی/ ۱۴۰۰ ص ۶۳) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا...» (سوره انفال) کسانی که تقوا داشته و تمایلات نفسانی را کنار بگذارند، قوه تشخیص حق به آنها عطا می‌شود؛ چنانکه در آیه دیگری می‌خوانیم: «تَتَّقُوا اللَّهَ وَ يَعْلَمِ اللَّهُ» (بقره / ۲۸۲) از خدا پروا کنید، خداوند شما را آگاه می‌کند و به یادتان می‌آورد. گویا

روح همچون آینه‌ای است که تقوا غبار را از آن می‌زداید و نور حق در آن منعکس می‌شود، چنانکه حضرت علی، علیه‌السلام، تقوا را دارو و درمان دل‌ها، نور و بینایی کوردلی‌ها و شفا و وسیله اصلاح قلب، تطهیر جان، امنیت ترس‌های درونی و روشن شدن تاریکی‌ها می‌داند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹) (قرائتی/۱۳۷۴، ۹۰)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ... «۲۴» (انفال) برای آدمی یک زندگی حقیقی هست که بهتر و کامل‌تر از حیات و زندگی پست دنیای اوست و وقتی به آن زندگی می‌رسد که استعدادش کامل و رسیده شده باشد و این تمامیت استعداد با آراستگی به دین و دخول در زمره اولیای صالحین دست می‌دهد؛ چنانچه رسیدن به زندگی دنیایی وقتی دست می‌دهد که نطفه رشد کرده باشد. این آیه اشاره دارد به همان استعداد و پذیرفتن و عمل کردن به آن دستورهایی که دعوت حقه اسلامی است و بشر را به آن می‌خواند انسان را برای آن زندگی حقیقی مستعد می‌سازد. (طباطبایی/۱۳۹۰ ج ۹ ص ۵۶) این آیه با صراحت می‌گوید که دعوت اسلام دعوت به سوی زندگی در تمام زمینه‌هاست و مردم در عصر جاهلیت تنها از زندگی مادی و حیوانی برخوردار بوده‌اند. (مکارم شیرازی/۱۳۸۷ ج ۲ ص ۱۴۰)

مقصود از حیاتی که با دعوت انبیا فراهم می‌آید، حیات حیوانی نیست؛ چون بدون دعوت انبیا نیز این نوع حیات وجود دارد، بلکه مقصود حیات فکری، عقلی و معنوی، اخلاقی و اجتماعی و بالآخره حیات و زندگی در تمام زمینه‌هاست. انسان، در ایمان و عمل صالح است و خداوند و انبیا هم مردم را به همان دعوت کرده‌اند: «دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» اطاعت از فرامین آنان رمز رسیدن به زندگی پاک و طیب است.

أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ. «۴» (انفال) کلمه مغفرت به معنای گذشت الهی از گناهان است. رزق کریم نعمت‌های بهشتی است که نیکان از آن ارتزاق می‌کنند و این تعبیر در چند جای قرآن واقع شده است و معلوم است



که منظور از درجات، مراتب قرب و منزلت و درجات کرامت معنوی است چون ایمان دارای مراتب مختلفی است؛ لذا درجات هم که خداوند به ازای آن میدهد مختلف است. (طباطبایی/۱۳۹۰ ج ۹ ص ۱۲)

#### ۷- موانع تربیت ولایی

طبق آیه «تَاللّٰهِ لَقَدْ اَرْسَلْنَا اِلٰى اُمَّمٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَمِنْ لَّهُمُ الشَّيْطٰنُ اَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمْ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ اَلِيْمٌ» (نحل/۶۳) به خدا سوگند پیامبرانی به سوی امت‌های پیش از تو فرستادیم، پس شیطان کارهای [زشت]شان را در نظرشان آراست [تا انجامش برای آنان آسان گردد]، او امروز ولیّ و سرپرست اینان است [که در عقاید و رفتار پیرو مشرکان پیش‌اند] و برای آنان [در قیامت] عذابی دردناک است. مواردی که مانع تربیت ولایی است، به این شرح است؛

#### ۷-۱ گرایش به دنیا

یکی از موانع بزرگ تحقق نیافتن تربیت ولایی در انسان گرایش به عالم طبیعت و دنیاست که موجب دوری انسان از خدا می‌شود. (میرزامحمدی و رسولی/۱۳۸۹ ص ۳۷)

#### ۷-۲ گناه

گناه موجب دوری انسان از خدا می‌شود. در قرآن کریم گناه مانع شهود حقایق دانسته شده‌است. علت کج‌فهمی افراد، زنگارهایی است که بر اثر گناه قلب را تیره کرده‌است؛ هر نوع گناه موجب دوری از خدا و اولیای او گشته مانع تحقق ولایت الهی در وجود انسان می‌شود؛ مگر این‌که با توبه به سوی آن‌ها بازگردد. (میرزامحمدی و رسولی / ۱۳۸۹ ص ۳۸)

مؤمن باید در میدان‌های اخلاق، جامعه و سیاست، به دستورات الهی عمل کند تا مشروعیت داشته و به موفقیت برسد: «فَاتَّقُوا اللّٰهَ وَ اصْلِحُوا ذٰتَ بَيْنِكُمْ وَ اطِيعُوا اللّٰهَ وَ رَسُوْلَهُ.» ایمان تنها در قلب نیست، بلکه جلوه خارجی و اطاعت عملی هم می‌خواهد.

«أَطِيعُوا... إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» ممکن است کسانی در آزمایش جانفشانی و حضور در جبهه قبول شوند، ولی در آزمایش مالی و تقسیم غنائم و انفال مردود گردند: «إِنَّ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». جبهه رفتن به تنهایی نشانه ایمان کامل نیست. طمع نداشتن به غنائم، حفظ اخوت و تسلیم بودن در برابر رهبری هم لازم است. (قرآنی، ۱۳۷۴، ۵۸) ایمان تنها بازی با الفاظ نیست، بلکه جلوه‌گاه ایمان، اطاعت بی‌قید و شرط در همه مسائل زندگی از فرمان خدا و پیامبر اوست. (مکارم شیرازی / ۱۳۸۷ ج ۲ ص ۱۲۵)

یکی از راه‌های فریب شیطان، زیبا جلوه دادن بدی‌هاست: «وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ..... وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال/ ۴۸) آری، نیکو پنداشتن کارهای بد و ناهنجاری‌ها، نشانه نفوذ شیطان در افکار انسان است. شیطان و شیطان‌صفتان، دیگران را برای فساد، توجیه و تحریک می‌کنند: «زین، لا غالب، جار لکم». ایمان، حمایت فرشتگان را به دنبال دارد و کفر، حمایت شیطان را: «جار لکم». شیطان، منافق، فریب‌کار، دروغگو و بی‌وفاست: جار لکم... بریء منکم. شیاطین، آتش فتنه را روشن می‌کنند، ولی خود را در معرکه قرار نمی‌دهند: «إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكُمْ». گفت‌وگوی شیطان با طرفدارانش که در این آیه مطرح شده، ممکن است همان وسوسه‌های شیطانی باشد، یا آنکه شیطان در قالب انسان، اهداف خود را دنبال کند و در قیافه انسان، به اغوا و وسوسه پردازد که روایات هم در این باره وارد شده است: وَ

اعلموا انما اموالکم و اولادکم فتنه و ان الله عنده اجر عظیم. «۲۸» (انفال)

محور بسیاری از لغزش‌های انسان و ریشه بسیاری از گناهان از قبیل: معاملات حرام، احتکار، دروغ، کم‌فروشی، ترک انفاق، ندادن خمس و زکات، حرص و کارشکنی و سوگندهای دروغ و تضييع حقوق مردم، گریز از میدان جنگ، ترک هجرت و جهاد و...، علاقه به مال و فرزند است. پس اینها عامل امتحان و لغزشند. (قرآنی/ ۱۳۷۴، همان)

امکان شرکت شیطان در مال و فرزند انسان: «شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» (اسراء/۶۴) افزون خواهی در مال و فرزند و آثار منفی آن: «تَكَاتُرُ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» (حدید/۲۰) بازدارندگی فرزند و مال از یاد خدا: «لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ» (منافقون/۹۰) نجات بخش نبودن اموال و اولاد در قیامت: «لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ» (آل عمران/۱۰)

حرصها و طمعها سبب لغزش خردها می شود. حضرت علی، علیه السلام می فرماید: «اکثرُ مصارعِ العقول تحت بروق المطامع» (نهج البلاغه، حکمت ۲۱۹) بیشتر لغزشگاه خرد، زرق و برق طمعها است و قهر و خشم الهی، نتیجه سرکشی و طغیان است و بدون دلیل و بی حساب نیست: ذَلِكَ بَأْتَهُمْ... زیرا مخالفت با رسول خدا، مخالفت با خداوند است: «شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ» از سنت‌های خداوند آن است که هر که با حق در افتد، نابود شود: «وَمَنْ يُشَاقِقِ... فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ». کافران، در دنیا گرفتار انتقام و هلاکت می شوند و در آخرت گرفتار عذاب: «فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ - لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ» (قرآنی/۱۳۷۴، ۴۹)

فرار از جبهه، گناه کبیره است و خداوند بر آن وعده قهر و عذاب داده است: «وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ... فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ. لَجَاجَتٌ وَاسْتِمْرَارٌ فِي كُفْرٍ وَانْحِرَافٍ، عامل نزول عذاب است: «فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ» «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (انفال/۲۷) خیانت، با ایمان داشتن سازگار نیست. لازمه ایمان، امانت داری است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا.»

خیانت به پیامبر، خیانت به خداوند است: «لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ.» («لَا تَخُونُوا» در مورد خدا و پیامبر با هم آمده، در مورد سایر مردم تکرار شده است.) خیانت به خدا و رسول، خیانت به خود است و زیان آن به خود انسان بازمی گردد: «لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ.» خیانت، فطرتاً زشت و محکوم است: «وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ.»

خیانت‌های آگاهانه، خطرناک است: «وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَ أَنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (هم به زشتی خیانت آگاهید و هم پیامدهای بد آن را می‌دانید) (قرآنی/۱۳۷۴، همان) در این آیه نهی واحدی می‌شود که به یک نوع خیانت تعلق گرفته و آن خیانت در امانت خدا و رسول خدا، صلی الله است که خود، خیانت به امانت مؤمنین هم هست؛ چون بعضی از امانت‌ها منحصرأ امانت خداست در نزد مردم پس خیانت در این نوع امانت خیانت به خدا و رسول و مؤمنین است. (طباطبایی/۱۳۹۰ ج ۹ ص ۶۹)

همان‌طوری که یکی از فواید امانت‌داری تحکیم پایه‌های ایمان و گسترش دینداری است، در مقابل، خیانت موجب سستی ایمان و دینداری است. پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله فرمود: از خیانت دوری کنید؛ چرا که خیانت آدمی را از اسلام دور می‌کند. (درایتی/۱۳۶۶، ۵۴) هرگاه با ظهور نشانه‌هایی از خیانت گروهی بیم داشته باشی [که عهد خود را شکسته، حمله غافلگیرانه کنند]، به طور عادلانه به آنها اعلام کن که پیمانشان لغو شده است؛ زیرا خداوند خائن را دوست نمی‌دارد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِنِينَ» (انفال/۵۸) با توجه به آیه فوق، خیانت موجب محرومیت از محبت الهی است. و همچنین قرآن می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به خدا و پیامبر خیانت نکنید و (نیز) در امانات خود خیانت روا مدارید، در حالی که می‌دانید (این کار، گناه بزرگی است)». و بدانید اموال و اولاد شما وسیله آزمایش است و پاداش عظیم (برای آنها که از عهده امتحان برآیند) نزد خدا است». (انفال/۲۷-۲۸)

علاقه افراطی به مال و فرزند، انسان را به خیانت می‌کشد: لا تَخُونُوا... وَ اعْلَمُوا... وَ حَتَّى گاهی موجب دست برداشتن از اصول انسانی و دینی (امانت و ادای امانت) می‌شود. مال و فرزند می‌تواند دو دام فریبنده باشند: «أَنْمَا أَمْوَالُكُمْ وَ أَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ» پس امانت در این آیه، همه شئون زندگی اجتماعی و سیاسی و اخلاقی را شامل می‌شود. عشق و علاقه به مال و فرزند و حفظ منافع شخصی گاهی در یک لحظه حساس چشم و گوش انسان را

نسبت به حقایق می‌بندد و این در حقیقت خیانت آگاهانه است. چگونگی به دست آوردن اموال، چگونگی خرج کردن آنها و میزان دل‌بستگی و علاقه به آن همگی میدان‌های آزمایش بشر است. بسیاری کسان که از نظر عبادات معمولی و تظاهر به دین و مذهب و حتی گاهی از نظر انجام مستحبات، بسیار سخت‌گیر و وفادارند، اما به هنگامی که پای یک مسئله مالی به میان می‌آید، همه چیز کنار می‌رود و تمام قوانین الهی و مسائل انسانی

و حق و عدالت، به دست فراموشی سپرده می‌شود... (برجی نژاد / ۱۳۹۳، ۹۸)

«...كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال/ ۵۲) مجازات‌های الهی، کیفر کارهای خود انسان است، نه انتقام خداوند: ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَكُمْ... گناه، سبب قهر الهی است: «فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ» در احادیث متعددی عواملی مانند ظلم و گناه، سبب تغییر نعمت‌های الهی به حساب آمده‌اند؛ چنانکه بازگشت از گناه و انحراف و حرکت در مسیر حق، موجب سرازیر شدن انواع نعمت‌های الهی است. گناهان و ستم‌ها، انسان را از لیاقت بهره‌وری از لطف الهی دور می‌کند. امام صادق، علیه‌السلام، فرمودند: «همواره از سختی‌ها و گرفتاری‌های روز و شب که عقوبت معصیت و گناهان شماست، به خدا پناه ببرید».

ظلم و گناه، عامل قهر الهی است، چه ظلم به خویش، چه به مردم و چه به انبیا و مکتب: فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ... کَانُوا ظَالِمِينَ. بعضی از سختی‌ها، حوادث و اتفاقات دنیوی و زوال نعمت‌ها، پیامد گناهان انسان است: «فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ» تکذیب آیات الهی و گناه، ظلم است: كَذَّبُوا... كَانُوا ظَالِمِينَ.

کفر، زمینه پیمان‌شکنی است: الَّذِينَ كَفَرُوا... يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ. پیمان‌شکنی، بی‌تقوایی است: يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ... وَ هُمْ لَا يَتَّقُونَ. بیشترین خطر از سوی کسانی است که پیمان‌شکنی شیوه و خصلت آنان شده و از آن پروایی ندارند: يَنْقُضُونَ... فِي كُلِّ مَرَّةٍ... لَا يَتَّقُونَ. (قرآنی

(همان، ۱۳۷۴/)

آنها آیات خدا را انکار کردند خداوند هم آنها را به گناهانشان کیفر داد: «كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ.» خداوند قوی و سخت کیفر است: «إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدٌ الْعِقَابِ»؛ بنابراین تنها قریش و مشرکان و بت پرستان مکه نبودند که با انکار آیات الهی و لجاجت در برابر حق و درگیری با رهبران راستین انسانیت گرفتار کیفر گناهانشان شدند، بلکه این یک قانون جاودانی و عمومی است. (مکارم شیرازی/۱۳۸۷، ۶۴)

### نتیجه گیری

در این پژوهش با کاوش توصیفی تحلیلی در سوره مبارکه انفال، به بررسی تربیت ولایی پرداخته شد. تربیت به معنای پرورش دادن، به فعلیت درآوردن استعدادهای درونی و همچنین مجموعه افعالی که یک فرد به عمد با توجه به شناختها و اعتقادات و رفتارهای انسانی انجام می دهد، آمده است. نیز به معنای رشد و نمو و حرکت هر شیء به سمت هدف آمده است. ولایت به معنای قرب، نزدیکی، تدبیر و رسیدگی یک شیء یا یک شخص خاص آمده است. در کلام شیعه ولایت مطلق، ویژه خداست که واجب الوجود است. مبانی و اصول تربیت ولایی عبارت است از: معرفت شناسی و انسان شناسی و هستی شناسی؛ معرفت شناسی شامل خدامحوری و ولایت مداری است. خداوند متعال ذاتاً ولایت تکوینی و تشریحی بر انسان دارد که در منابع دینی چهار شاخص برای آن معرفی شده است: ولایت مداری، محبت، معیت و همراهی کامل بدون گزینش و پرهیز از توجیه گیری.

آیه ۳ سوره مبارکه انفال به این شاخصه ها به عنوان برپاداشتن نماز و انفاق و گوش به فرمان بودن به خداوند صحبت شده است؛ همین طور در سوره مبارکه انفال آیات ۱، ۲۰، و ۴۶ که مبنای اطاعت محض از خدا و رسول و تبعیت با رغبت از ایشان پرداخته شده است. در آیه ۶ سوره انفال اگر فردی درباره مبانی و احکام دین با خداوند به مجادله برخیزد، درواقع اطاعت خدا و رسول را نادیده گرفته است. یکی از اصول مهم

خداحموری، اتکا و توکل به خداست که طبق آیه ۲ این سوره، مؤمنان را کسانی معرفی می‌کند که بر پروردگارشان توکل دارند.

دو روش برای تربیت ولایی در نظر گرفته شده است: روش انگیزشی و روش الزامی. روش انگیزشی یعنی ایجاد انگیزه در فرد با موعظه و نصیحت برای انجام عمل. روش الزامی در واقع وادارکردن طرف مقابل به امری است با تذکر و یادآوری. آیه ۲۰ و ۲۱ به مؤمنان تذکر می‌دهد که خدا و رسول را اطاعت کنید و نیز هشدار می‌دهد که نافرمانی از اطاعت خداوند چه عواقبی را می‌تواند برای آنان داشته باشد. خطاب آیه متوجه مؤمنان است و زنهاری می‌دهد که شبیه مشرکین نباشید.

در آیه ۱۷ خداوند می‌فرماید: اراده به دست خداست و انسان با اختیار خود از کارها سرباز می‌زند؛ پس انسان‌ها مورد آزمایش قرار می‌گیرند. در آیه ۲۸ سوره انفال انذار می‌دهد که علاقه افراطی به مال و فرزند می‌تواند ما را از خدا و پیامبر دور کند. با روش اعمال عبادی در آیه ۳، صفات مؤمنان را که نماز برپا می‌دارند و انفاق می‌کنند و در آیه ۴۱ یک دستور خمس حد مؤمنین را مشخص می‌فرماید. طبق آیات ۱۵ و ۱۶ سوره انفال با روش انذار و تبشیر خداوند می‌فرماید: کسانی که فرمان رسول را نشنیده گرفته و از جهاد سرباز می‌زنند، مورد قهر و عذاب خدا قرار می‌گیرند یا در آیه ۷۳ سوره انفال با کسانی که کافر می‌شوند و فساد بزرگ در زمین انجام می‌دهند به روش انذار صحبت می‌شود. موانع تربیت ولایی یکی گرایش به دنیاست و دوم گناه؛ که هر دوی این‌ها باعث دوری انسان از خداوند و تیره شدن قلب در اثر زنگارها می‌شود.

آیات ۲۷ و ۲۸ مواردی را که باعث گرایش به دنیا و دوری از خداوند می‌شود آورده است؛ مواردی همچون فرزند، مال و گناهیانی مثل خیانت در امانت. با بررسی آیات سوره انفال، این نتیجه به دست می‌آید که تمام دستورهای اسلام و قرآن برای این است که ما را به سعادت دنیا و آخرت برساند و وجود پیامبر و امام برای این است که ما راه را

گم‌نکنیم. گناهان و لغزش‌ها و عدم اطاعت از پیامبر و اهل بیت و دستورهای قرآنی ما را از تربیت ولایی خارج می‌کند. اگر از تربیت ولایی خارج شویم، نصرت و یاری خداوند شامل حال ما نخواهد شد. در سوره مبارکه انفال به‌عنوان نمونه‌ای از سوره‌های پربرکت قرآن کریم، موارد ایجاد تربیت ولایی و در نتیجه دستیابی به حیات طیبه آمده است و به مواعی که سبب خروج از تربیت ولایی میشود، اشاره شده‌است.

### فهرست الفبایی منابع و مأخذ

- فولادوند، محمد مهدی (۱۳۷۶)؛ قرآن کریم، تهران: دارالقرآن الکریم
- دشتی، محمد (۱۳۷۹)؛ نهج البلاغه، قم: مشهور
- امیری بیدنی، خیرالله و حسین‌خانی، هادی (۱۳۹۴)؛ الزام نفس به‌مثابه یک روش تربیتی در تعلیم و تربیت ارزش‌ها، مجله معرفت شماره ۲۱۵
- امینی، ابراهیم (۱۳۸۷)؛ اسلام و تعلیم و تربیت، چاپ سوم، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.



بانکی پور فرد، امیرحسین و قماشچی، احمد (۱۳۸۰)؛ *تعلیم و تربیت از دیدگاه مقام معظم رهبری*، تهران: تربیت اسلامی.

برجی نژاد، زینب (۱۳۹۳)؛ *خیانت، دانشنامه پژوه، پژوهشکده باقرالعلوم*.

داوودی، محمد (۱۳۸۷)؛ *سیره تربیتی پیامبر صلی الله و اهل بیت علیهم السلام*، چاپ پنجم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)؛ *تسنیم (تفسیر قرآن کریم)*، جلد چهاردهم و شانزدهم، قم: مرکز نشر اسراء.

خمنی، روح الله (۱۳۸۷)؛ *ولایت فقیه*، چاپ یازدهم، قم: بروج.

درایتی، مصطفی (۱۳۶۶)؛ *ترجمه تصنیف غررالحکم و دررالکلم*، جلد ۱، چاپ دوم، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۴۱۲ق)؛ *مفردات الفاظ القرآن*، محقق مسحه صفان عدنان داوودی، بیروت: دار قلب.

طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰)؛ *تفسیر المیزان*، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، چاپ ۳۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی

فرهادی، راضیه (۱۴۰۰)؛ *تربیت ولایی (چیستی و اهداف)*، تهران: کنکاش.

قائمی مقدم، محمدرضا (۱۳۹۱)؛ *روش‌های تربیتی در قرآن*، جلد ۱، چاپ اول، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

قرائتی، محسن (۱۳۷۴)؛ *تفسیر قرآن*، قم: مؤسسه در راه حق

مرتضوی زاده حشمت‌الله (۱۳۸۷)؛ *راهنمای تدریس (الگوها و روش‌ها و مهارت‌های تدریس)*، تهران: عابد.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)؛ *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، چاپ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۴)؛ *آزادی بندگی*، تهران: پیش مطهر.

مطهری، مرتضی (۱۳۸۳)؛ *مجموعه آثار*، چاپ یازدهم، قم: صدرا.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷)؛ *تفسیر نمونه*، چاپ اول، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

میرزا محمدی، محمدحسن و رسولی، رحیمه (۱۳۸۹): تربیت ولایی اصلی‌ترین مبنای تربیت دینی، اسلام و پژوهش‌های تربیتی، سال دوم، شماره اول، ۷-۴۵.

## The Study of provincial education in Surah Mubarakah Anfal

Parvin Hosseini Asl<sup>1</sup>

---

1- Corresponding Author: [parvin.mahvin@gmail.com](mailto:parvin.mahvin@gmail.com)

PhD student in Education, Arak Branch, Islamic Azad University, Arak, Iran

## ***Abstract***

Date of Receipt: 04/11/2023

Date of Acceptance:08/01/2024

On the one hand, God's guardianship for humans is providential and he loves them, and on the other hand, God is their helper and the believers also love God. The model of provincial education emphasizes belief in God and God-centeredness in all stages of education. The issue of governorship is one of the most important dimensions of education, which must be used according to religious standards. The guardianship of the Ahl al-Bayt in Islam is for us not to lose our way and to be able to use God's help and guidance in life with the light of their guidance. This research was done with exploratory and descriptive-analytical method in Surah Mubarak Anfal; Because this surah contains many blessed verses in the aspect of education, including the education of nobles, and to topics such as; The principles and foundations of the methods of religious education, including motivational and mandatory methods, the goals of religious education, as well as the obstacles of religious education, such as committing sins and worldly tendencies, have been discussed in the verses of Surah Anfal.

**Keywords:** God-centeredness, Holy Quran, Surah Anfal, provincial education